



تألفاً بطور مختصر مؤلفان و ویرایشگر کتاب را معرفی نمائید.

■ ویرایشگر کتاب «دی.جی. آکانر» از فیلسوفانی است که در آکسفورد تحصیل کرده و در سنت آکسفوردی و تحلیل منطقی رشد یافته و مدتی نیز در آفریقای جنوبی استاد فلسفه بوده است. او کاملاً مشرب پوزیتیویستی دارد. این مشرب در انتخاب سایر مؤلفان اثر داشته است؛ با اینکه او در مقدمه ادعا می‌کند که تنوع دید مؤلفان برای خوانندگان جذاب است، اما من به عنوان مترجم اثر چنین تنوعی را نمی‌بینم. بخصوص در هر کدام از مقالات که پای نقد به میان می‌آید، این انتقاد از زاویه دید یک پوزیتیویست انجام گرفته است. حتی می‌توان گفت در برخی موارد نویسندگان مقالات پوزیتیویست‌های افراطی هستند. مثلاً خود «آکانر» در مقاله ارسطو به شکل بسیار تندی نسبت به افلاطون موضع‌گیری می‌کند که این موضع‌گیری کاملاً از موضع پوزیتیویستی، تحصیلی و علم‌گرایانه است. این نگاه از بعضی جهات می‌تواند نقطه قوت کتاب به حساب آید و از جهات نقطه ضعف کتاب. ضعف از آن جهت که ما را از تنوع دید محروم می‌کند و قوت از این بابت که از یک زاویه دید خاص و با یک نگاه خاص، همه فلسفه‌ها را ارزیابی می‌کند؛ این نگاه، بخصوص برای ما که فلسفه‌رقال و واقع‌نگری نداشته‌ایم، می‌تواند هشدار دهنده و بیدارکننده نیز باشد شاید از این نظر هشدار دهنده است که ما را وادار به یک موضع‌گیری خلاف موضع نویسنده می‌کند. این نوع نگاه خاص یک چالش ذهنی را به همراه خواهد داشت. در مورد تک تک نویسندگان به علت تعداد آنها (۲۴ نویسنده) در اینجا مجال سخن نیست. ولی در بین آنها کسانی هستند که دارای مقام شاخصی می‌باشند. و حداقل هر کدام در رشته خودشان آن احاطه کافی را داشته‌اند که بتوانند در حجم کم، عمده‌ترین نکات فلسفه فیلسوف مورد نظر را طرح کنند.

□ شیوه بحث در این کتاب چگونه است؟

■ تقریباً می‌توان گفت که گرایش در این کتاب به سمت فلسفه ناب (*Pure Philosophy*) است. در فلسفه ناب عمده‌ترین بحث، فلسفه شناخت و منطق است و بعد از آن فلسفه اخلاق قرار می‌گیرد. عنایت خاصی نیز به متافیزیک شده است. بیشترین مقدار بحث در همه کتاب‌ها مربوط به بحث شناخت است و اگر نظر منطقی خاصی نیز داشته‌اند به منطق خاص آنها پرداخته شده است. بقیه نکات کتاب تحت‌الشعاع این مسأله هستند. این مسأله از جهتی نیز از مزایای کتاب به شمار می‌آید، چرا که اگر قرار می‌شد به تمام آرای یک فیلسوف در چنین حجم کمی پرداخته شود، تنها ارائه‌ی گزارش مختصری از آن‌ها میسر بود. محدود کردن بحث به این سه زمینه سبب می‌گردد تا مطلب عمق داده شود و به نکات ریز این سه بخش نیز پرداخته شود. طبیعتاً جا برای نقد و تحلیل هم می‌ماند. نقد و تحلیل در این کتاب امروزی است. یعنی اعتبار آراء فیلسوفان را در زمان خودشان بررسی نکرده است، بلکه می‌خواهد بداند که امروز با این تحولات چقدر از آراء این فیلسوف اعتبار دارد یا در پدید آوردن تحولات تا چه اندازه نقش داشته است و اگر انتقادی به آن وارد است در برابر آن انتقاد چقدر می‌تواند دوام بیاورد. این روشنگر است و از نقاط قوت کتاب می‌باشد.

□ اهمیت کتاب در مقایسه با تاریخ فلسفه‌های دیگری که به فارسی ترجمه شده است، در چیست؟

■ ما سه تاریخ فلسفه عمده در زبان فارسی داریم. قدیمی‌ترین آنها، سیر حکمت در اروپا، نوشته مرحوم محمد علی فروغی است. بعد از آن تاریخ فلسفه «راسل» است که توسط «نجف دریابندری» به فارسی ترجمه شده است و بعد از آن

تاریخ فلسفه «کاپلستون» است که هنوز بطور کامل به فارسی ترجمه نشده و مجلداتی از آن به فارسی ترجمه شده است. «سیر حکمت در اروپا» در قیاس با این کتاب، کتاب مقدمه‌تری به حساب می‌آید و طبیعتاً بحث این کتاب گسترده‌تر، مبسوط‌تر و فنی‌تر است. «سیر حکمت» این نقطه قوت را دارد که خواندنش برای یک مبتدی فلسفه به مراتب راحت‌تر است و یک گزارش اجمالی ارائه می‌دهد. در صورتی که این کتاب فنی‌تر است و به سال‌های اخیر می‌پردازد که در «سیر حکمت» مسکوت مانده و اصلاً به تاریخش نمی‌خورده است و هنوز این مکاتب فلسفی مطرح نبوده است. تاریخ فلسفه «راسل» هم در واقع یک تاریخ فلسفه محض نیست. بلکه تاریخ فلسفه‌ای آمیخته با تاریخ فرهنگ یعنی وجوه فرهنگی هر دوران و تأثیرپذیر بودن و تأثیر گذارند هر فلسفه‌ای را در فرهنگ بررسی کرده است. زبان راسل بسیار ساده‌تر و برای مبتدیان مفیدتر است. این کتاب واقعاً تاریخ فلسفه محض است و به مسائل حاشیه‌ای از جمله تاریخ و فرهنگ نمی‌پردازد و متفکر را در بطن فرهنگ و تمدن خود مورد بررسی قرار نمی‌دهد. بلکه یک نگاه مستقیم به آرای فلسفی هر فیلسوف دارد و با بی‌اعتنایی به زمان خاص خودش، از درجه فلسفه و علم امروز آن را مطرح می‌کند. تفصیل مطالب نیز در این کتاب بیشتر از کتاب راسل است. اما تاریخ فلسفه کاپلستون به عکس آن دو کتاب از این کتاب خیلی مفصل‌تر است. و این دو کتاب در کنار یکدیگر می‌توانند بسیار مفید و مؤثر واقع شوند کاپلستون یک فیلسوف مسیحی است و او در اوائل اعتقاد داشت که بی‌طرف است اما بعداً اعتراف نمود که بی‌طرفی اصلاً معنایی ندارد و از دیدگاه خاص فلسفه مسیحی به مطلب نگاه کرده است. در صورتیکه این کتاب درست نقطه مقابل آن است چون دیدگاه پوزیتیویستی و علم‌گرایانه است. این دو کتاب در کنار هم می‌تواند به خواننده ارزیابی خوبی ارائه دهند.

در مورد آن سه کتاب یک نکته مشترک وجود دارد که هر سه کتاب را یک نفر نوشته است. و یک نفر طبیعتاً نمی‌تواند در همه زمینه‌ها تخصص داشته باشد و برای همین در هر سه کتاب می‌بینید که بخش‌هایی بر بخش‌های دیگر غلبه دارد. مثلاً در «سیر حکمت» مرحوم فروغی بیشترین فضا به دکارت اختصاص دارد. به این دلیل که تخصص فروغی دکارت بوده است. در کاپلستون بحث «آکوناس» از دامنه یک تاریخ فلسفه فراتر می‌رود و حتی در زبان انگلیسی کتاب «آکوناس» بارها و بارها خارج از این مجموعه منتشر شده است. چون یک تحقیق مفصل و جامعی راجع به «آکوناس» محسوب می‌شود. در تاریخ فلسفه راسل بخش «لابیاتیست» قابل مقایسه با بقیه بخش‌ها نیست. چون تخصص «راسل»، «لابیاتیست» بود. در صورتیکه در فلاسفه قرون وسطی تخصص و تعمق نداشته است. و در مورد این فلاسفه آن قدر کم بحث می‌شود که اصلاً بحث جدی‌ای وجود ندارد. مثلاً از فیلسوف مهمی مثل «آکام» تنها اسمش آمده و بحث جدی از او نشده است. اما در این تاریخ فلسفه تنوع تخصص نویسندگان مقالات سبب توازن میان بخش‌های کتاب گردیده است و هر بخش کتاب یک سیر جامعی نسبت به تاریخ فلسفه به شما ارائه می‌دهد. یک نقطه ضعف دیگر این کتاب توجه بیش از حد به فلسفه انگلیسی است. که آن هم بدلیل انگلیسی بودن ویراستار و نویسندگان مقالات است. که تمایل بیشتر به سمت فلسفه انگلیسی بوده است تا فلسفه اروپایی.

□ ترجمه این کتاب در قطع خاصی منتشر شده است.

■ در مورد قطع خاص این کتاب‌ها من بنا به تجربه‌ای که در انتشار مجموعه نسل قلم داشتم، احساس کردم که اگر کتاب کم حجم‌تر باشد و به مرور به دست خواننده برسد، خواننده رغبت بیشتری پیدا می‌کند که کتاب را بخواند. کتاب آسان یاب می‌شود و به نظر آدم بگ مانع عمده‌ای که باید بر آن غلبه کرد، نمی‌آید. کتاب



خشایار دیهیمی

را اگر در یک جلد منتشر می‌کردیم کتابی هزار صفحه‌ای می‌شد و کتاب هزار صفحه‌ای یک مقدار خواننده را به وحشت می‌اندازد که برنامه‌ریزی کند چه وقت بتواند کتاب را بخواند؛ ولی کتابهای کوچک به خصوص برای دانشجویان مفیدتر است چرا که هر زمانی یک سؤال برایشان مطرح می‌شود و همه سائل فلسفی با هم طرح نمی‌شود. یک زمان افلاطون مطرح می‌شود، یک زمان ارسطو یا کانت مطرح می‌شود وقتی دانشجو ببیند که یک کتاب مختصر کوچکی در دستش است که شاید بتواند جواب سؤالش را در آن پیدا کند شوق بیشتری برای رجوع به کتاب پیدا می‌کند امیدوارم این جنبه از کار یا تصور من جور باشد ولی به هر صورت وقتی کتابها کامل به چاپ رسید برای آنکه ارزاتر در اختیار خواننده قرار بگیرد و یا برای نگهداری راحت‌تر در کتابخانه - اگر خواننده و طالبی داشته باشد - آن را در یک جلد هم منتشر خواهیم کرد.

□ از شما به خاطر شرکت در این گفتگو سپاسگزارم.



گفتگو با